درمکتب امام

می‌خواهند شما را سست کنند

بدانید که همه قدرت‌های شیطانی، همه وابستگان به قدرت‌های شیطانی مثل سازمان عفو بین‌المللی و دیگر سازمان‌ها همه دست به هم داده‌اند که این جمهوری اسلامی را در اینجا خفه کنند و نگذارند شکوفا بشود و خوف این را دارند که این انقلاب به جاهای دیگری که منافع آنها در آنجاها هست، صادر بشود. و شماها را سرد کنند و شماها را سست کنند، به خیال اینکه با اینطور توطئه‌ها می‌توانند ملتی [را] که برای خدا و اسلام قیام کرده است، [سست کنند.] این ملت تا اسلام هست، به جای خودش ایستاده است و خدمت می‌کند.

صحیفه امام؛ ج۱۵؛ ص۳۱۵ | جماران؛ ۲۶ مهر ۱۳۶۰

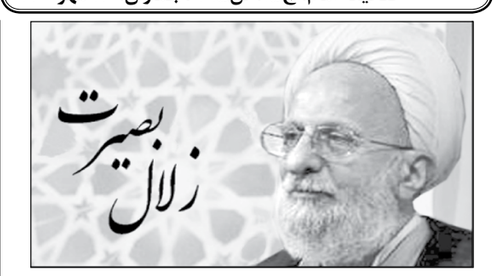

کم‌کاری نخبگان در تبیین ولایت‌فقیه

همواره در جامعه اختلافات و پدیده‌های زشت و زیبا وجود داشته است؛ حتی با وجـود خدمات بی‌نظیری که پیامبر اکرم(صلوات‌الله‌علیه‌وآله) به مردم جامعه آن روز عربستان کرد و آنها را از حضیض ذلت به اوج عزت رسانید، پس از رحلت آن حضرت دیری نپایید که برخی از صحابه در میان مسلمانان اختلاف ایجاد کردند.

قرآن بهترین قانون و پیامبر اسـلام بهترین مجری قانون بود، با این وجود هنوز چند سالی از وفات آن حضرت نگذشته بود که افرادی از امت ایشان در کربلا بالاترین جنایات را نسبت به فرزند ایشان مرتکب شدند! با توجه به این واقعیات تاریخی نمی‌توان توقع داشت که وجود قانون خوب و مجری صالح، به تنهایی موجب شود که همه افراد جامعه راه صلاح را بپیمایند؛ زیرا همه انسان‌ها مختارند و دائماً با قرار گرفتن در شرایط مختلف در حال امتحان شدن هستند.

هر یک از ما باید وضعیت خودمان را در این امتحانات بسنجیم و ببینیم چه مقدار به تکلیفمان عمل کرده‌ایم،یکی از وظایف ما این اسـت که اگر با انحرافی در جامعه مواجه شـدیم، آن را ریشه‌یابی کنیم، تا بتوانیم راه درمان آن را بیابیم. انحرافاتی که در صدر اسلام و پس از وفات پیغمبر اکرم ایجاد شد و نیزانحرافاتی که بعد از پیروزی انقلاب اسـلامی پیدا شـد، نمونه‌های خوبی در این زمینه هستند که می‌توان آنها را مقایسه و ارزیابی کرد.

خطر نخبگان سست ایمان برای دین و انقلاب

متأسفانه گاهی برخی از متدینین که ادعای الگو و راهنما بودن برای دیگر افراد جامعه را دارند، کارهایی انجام می‌دهند که آثار سوء آن از اقدامات دشمنان بیشتر است و چه بسا دشمن خواسته خود را به وسیله این افراد محقق می‌کند.

بخشی از علل انحرافات در صدر اسلام و امروز مشترک است، یکی از عمده‌ترین این علت‌ها این اسـت که متأسفانه برخی مدیران ارشد و سردمداران جامعه حقیقت دین را بدرستی نشناخته‌اند و به آن اعتقاد کامل ندارند؛ حتی برخی از ایشان معتقدند که تاریخ مصرف دین گذشته و احکام اسلام متعلق به ۱۴۰۰ سال پیش بوده و امروزه با پیشرفت علم، دین کارآیی ندارد!

گروهی از فرهیختگان جامعه ما نیز که معتدل‌تر هستند، دین را حداکثر به عنوان یک نهاد در کنار سایر نهادهای اجتماعی مانند اقتصاد و امنیت می‌دانند، که این همان تفکر سکولاریسم است. بر اساس این تفکر، تنها راه پیشرفت این است که نهاد دین در حوزه امور فردی باقی بماند و دخالتی در امور اجتماعی نداشـته باشد؛ برنامه‌های مورد نیاز برای اداره جامعه و مسـائل مشابه نیز از علوم روز اخذ شود؛ همان‌گونه که کشورهای دیگر دنیا چنین می‌کنند!

بسـیاری از این افراد قلباً آرزو دارند که‌ای کاش ایران هم نه مثل آمریکا –چون معتقدند ایران نمی‌تواند به آن حد برسد!– بلکه مانند اسرائیل، شبیه یکی از ایالت‌های آمریکا می‌شـد؛ البته مخالفتی هم با نماز خواندن و عزاداری سیدالشـهدا(ع) ندارند. متأسـفانه چنین تفکری در ذهن بسیاری از افراد، از عوام تا نخبگان وجود دارد. خدا نکند که چنین تفکری در بزرگان حوزه هم نفوذ کند!

لزوم روشنگری برای افراد کج‌فهم و منحرف

یکی از مشکلات اساسی که هم امروز و هم در صدر اسلام مطرح بود، این است که علیرغم پذیرش این مسـئله از سوی امت اسـلامی که باید از رسول خدا(ص) و اولی‌الامر پیروی کرد، اما در عمل، خاندانی مثل عباسیان ۵۰۰ سال بر قلمرو کشورهای اسلامی سلطنت کردند.

باید طرحی اندیشیده شود و برای اجرای آن برنامه‌ریزی صورت گیرد که با انجام آن ـ هر چند در درازمدت- بتوانیم به هدفی که خدا و اولیای او داشتند نزدیک شویم؛ این طرح باید برای همگان روشن کند که اسلام کامل‌ترین دین است و برای همه ابعاد زندگی انسان، از قبیل رفتارهای فردی، نحوه ارتباط با افراد خانواده، مسائل اجتماعی و حتی تعاملات بین‌المللی برنامه دارد،چنین کاری باید عاقلانه، همراه با مراعات ادب و احترام نسبت به افراد صورت گیرد، در انتخاب راه نیز باید ارزش‌های دینی رعایت شود؛ مبادا رفتارهایی انجام دهیم و سخنی بگوییم که ناخواسته زمینه پیشرفت کار را از بین ببرد. چه بسا گاهی باید به افرادی که دچار خطا واشتباه شده‌اند، احترام گذاشت و حتی دستشان را هم بوسید تا مسیر فهم صحیح دین برای ایشان روشن شود؛ حتی ممکن است برای جلوگیری از توطئه دشمنان چنین کاری وظیفه شرعی هم باشد.

در این مسـیر حتی باید با کفار هم مهربان بود تا زمینه هدایت آنها فراهم شود؛ از همین روست که بخشی از زکاتی که از مسلمانان گرفته می‌شود، به عنوان «مؤلفة قلوبهم» برای جلب نظر کافران در نظر گرفته شده، تا آنها نسبت به اسلام خوشبین شوند؛ چه بسا این کار عاملی شود برای اینکه آنها تحقیق کنند و حقیقت را بشناسند، چون بسیاری از این افراد قلوب مستعد و پاکی دارند و آماده شناخت حقیقت هستند.

ضرورت شناساندن حقیقت دین به افراد جامعه

ابتدا باید ببینیم حقیقت دین چیست؛ آیا دین، مطابق نظر جامعه‌شناسان، صرفاً اعتقاد به قداست یک امر و انجام برخی مناسک است؟! اگر ما تعریف دیگری از دین داریم، باید با فکر و اندیشه، طرحی برای معرفی آن آماده و برای پیاده‌سازی آن سعی و تلاش کنیم؛ البته آماده کردن چنین طرحی به این معنا نیست که خود ما می‌توانیم به تنهایی همه کارها را بر عهده بگیریم؛ بلکه باید ببینیم ما در کجای آن قرار می‌گیریم و چه بخشی از آن بر عهده ماست.امروزه دنیا ما را به عنوان کشور ولایت‌فقیه می‌شناسد؛ دغدغه امام راحل(ره) نیز تا آخرین لحظات عمر همین مسئله بود؛ اما متأسفانه شناخت مردم نسبت به این عنصر رو به ضعف است؛ زیرا طبیعتاً نسل جدیدی که پا به عرصه گذاشته، مانند نسل‌های قبل با این مفهوم آشنایی ندارد؛ از سوی دیگر نسل امروزی روحیه‌ای مطالبه‌گر دارند؛ به این معنا که به جای قدردانی از زحمات گذشـتگان و فداکاری‌های شهدا برای به ثمر رسیدن انقلاب، بیشتر نقص‌ها و مشکلات را می‌بینند و چه بسـا به خاطر غفلت از ریشه برخی مشکلات، اصل چنین حکومتی را ناکارآمد بپندارند. شـبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی نیز با بارانی از شـبهات، ذهن‌ها را از شناختن حقیقت باز می‌دارند؛ شبهاتی که دامنه آنها از ایجاد تردید در اصل دین، تا مسائل مربوط به انقلاب اسلامی و ولایت‌فقیه گسترده است. امروز همگان فهمیده‌اند که نوک حملات دشمن به سوی ولایت‌فقیه است،مانع اصلی بر سر راه دشمنان برای رسیدن به اهدافشان همین اصل است؛ مگر نه اینکه برخی کشورهای دیگر که عنوان جمهوری اسلامی دارند، اما از ولایت‌فقیه بی‌بهره‌اند، با آمریکا مشکلی ندارند؟!

ولایت‌فقیه، ستون اسلام

اینکه دشمنان با ایجاد شبهه و داده‌های غلط قصد انحراف اذهان را داشته باشند، تعجبی ندارد؛ اما تعجب در این است که گاهی شنیده می‌شود، کسانی در حوزه علمیه به بهانه بحث علمی، این مسئله را مطرح می‌کنند که در اسلام چیزی به نام حکومت نداریم، چه رسد به جایگاهی برای ولایت فقیه!!

مـا بـرای تبیین ولایت‌فقیـه، که مهم‌ترین رکن جامعه اسـلامی اسـت، چه کرده‌ایم؟برخی از کارهایی که قبل از انقلاب در زمینه مسئله ولایت‌فقیه انجام شده، قوی‌تر و بهتر از اقدامات صورت گرفته بعد از پیروزی انقلاب است!

شاید بتوان گفت: امروز ولایت‌فقیه ستون اسلام است،در طول ۱۴ قرن گذشته، به غیر از حضرات معصومین (ع)، چند نفر را سراغ دارید که در همه زمینه‌های لازم برای رهبری و مدیریت جامعه، از فقاهت، تا تدبیر، صبر، حلم، دوراندیشی و حتی امور دیگری از قبیل هنر و ادبیات، به جامعیت رهبر معظم انقلاب باشـند؟ به یاد داشته باشیم که: «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است.»(ابراهیم/۷)

البته توقع اینکه دولتی تشکیل شود که هیچ نقطه ضعفی نداشته باشد، بیجاست؛ اما هیچ کس انتظار نداشـت که ضعف دولت به این شدت و وسعت باشد! باید توجه داشته باشیم که همه مردم در برابر دشواری‌ها مانند سلمان و ابوذر نیستند و چه بسا سختی‌ها و مشکلات معیشتی و فشار اقتصادی سبب ضعف دینشان شود.

در شرایط کنونی، دین بسیاری از مردم در معرض خطر قرار گرفته است و نمی‌توان توقع داشـت که ما به مردم بگوییم دعا کنید تا مسـتجاب شود و آنها هم بپذیرند. از سوی دیگر قرار نیست بدگویی از دولت دردی را درمان کند؛ بخصوص اگر انتقادات و بدگوئی‌ها غیردقیق و غیرمستند باشد؛ همچنین نمی‌توان در برابر مشکلات مردم سکوت کرد؛ زیرا بی‌تفاوتی نسبت به دردهای مردم‌اشتباه است؛ بلکه وظیفه ما نقد مستدل، منصفانه و مؤدبانه است و لازم نیست در نقدها از کسی نام ببریم.

سخنرانی آیت‌الله مصباح یزدی (دام ظله)
درجمع تعدادی از خطیبان برجسته کشوری؛ قم؛ ۹۷/۶/۵

زلال بصیرت روزهای پنج‌شنبه منتشر می‌شود.

وزیر ارشاد در یک جلسه دو کارت زرد از مجلس گرفت

حجت‌الاسلام صدیقی در خطبه‌های نماز جمعه تهران از وزارت راه برای عدم پیگیری مشـکل کامیون‌دارها گلایه کرد اما پاسخ وزارت راه بیانیه‌ای بود که در آن مدعی شد کامیون‌دارها کمترین مشکل را دارند! با این حال در جلسه دیروز مجلس نماینده مبارکه از عدم رسیدگی این وزارتخانه به مشکلات خبر داد همچنین وزیر ارشاد در جلسه دیروز دو کارته شد.

زهرا سـعیدی مبارکه نماینده مردم مبارکه و سخنگوی کمیسـیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در نطق میان دستور خود، گفت: مهم‌ترین مسـئله کشـور که پایه اقتصادی ما است، بحث کامیونداران مظلوم و زحمتکش است که قریب به ۲۰ روز از اعتراضات صرفا صنفی و نه سیاسی آنها می‌گذرد. این قشـر اعتراضات خود را به زبان‌های مختلف و با نامه، مکاتبه، مراوده و غیره به مسئولان گفتند اما ما کاری برای آنها نکردیم.

وی با بیان اینکـه در این مدت فرصت تذکر حتی دو دقیقه‌ای به وی برای طرح این موضوع در صحن علنی مجلس داده نشد، اضافه کرد: کامیون داران و رانندگان صبورترین و زحمت‌کش‌ترین اقشار هستند که سهم خود را در این انقلاب ایفا کردند.

وی خطاب به نمایندگان و مسئولان کرمانشاه و با یادآوری زلزله سال گذشته این منطقه، گفت: هر زمان که از کرمانشاه دستور دادند، کامیون داران خود را به خط کردیم تا خاطری از زلزله زدگان مکدر نشـود و این قشـر هر آنچه توان داشتند در میان گذاشتند ولی‌ای کاش امروز درد آنها را می‌شنیدیم.

وی با طرح این سـؤال که مسـئول مستقیم رسیدگی به امور کامیون‌داران در این کشور در دولت کیست، توضیح داد: وزارت راه مسئولیت را بر دوش وزارت صنعت می‌گـذارد؛ وزارت صنعت به وزارت جهاد کشاورزی پاس می‌دهد؛ وزارت جهاد هم وزارت کشور را متولی امور کامیون داران کشور می‌داند.

لازم به ذکر است که جمعه گذشته امام جمعه تهـران در خطبه‌های پیـش از نماز جمعه ضمن یادآوری مشکل کامیون‌دارها از وزارت راه خواست که برای حل آن اقدامی انجام دهد اما وزارت عباس آخوندی با انتشـار بیانیه‌ای مدعی حل مشـکل کامیون‌دارها شـده و امام جمعه تهران را به عدم اطلاع کافی متهم کرد. حالا پس از گذشت قریب به یک هفته نماینده طیف مسـتقل مجلس نیز از حل نشدن مشکل کامیون‌دارها گلایه کرده است.

دوکارت زرد در یک روز

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در نشست علنی دیروز در جریان طرح سؤال از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درخصوص نظارت وی بر عملکرد ضعیف و شـائبه‌دار بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای و مدیرعامل آن از توضیحات وزیر قانع نشدند.

وی بـا بیان اینکه در حوزه بازی‌های رایانه‌ای واردکننده هسـتیم، ادامه داد: با تقویت بنیاد ملی و موسسات مشابه می‌توان نسبت به تولید مناسب بازی‌های رایانه‌ای اقدام کرد و تبعات و آسیب‌های بازی‌های خارجی را برای فرزندان کاهش داد.

همچنین در ادامه جلسـه دیروز سـؤال ملی نصـرالله پژمانفر، نماینده مردم مشـهد از عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشـاد را مورد بررسی قرار گرفت. نمایندگان پس از اسـتماع سؤال پژمانفر و نهایتا پاسخ وزیر از اظهارات وزیر ارشاد قانع نشدند.

این سؤال درباره علت عدم نظارت بر سامانه‌های ویدئویی درخواسـتی از سوی وزارتخانه فرهنگ و ارشاد بود.

گفتنی است نمایندگان با ۹۴ رای مخالفت، ۷۴ رای موافق و ۴ رای ممتنع از مجموع ۱۹۶ نماینده حاضر در جلسه به وزیر فرهنگ و ارشاد کارت زرد دادند. به این ترتیب وزیر ارشاد در یک جلسه (دیروز) از مجلس دو کارت زرد گرفت.

هجوم به فرهنگ ایرانی و سهل‌انگاری مسئولان

حجت‌الاسلام نصرالله پژمانفر نماینده مشهد در سـؤال از وزیر ارشـاد درباره علت عدم نظارت بر سامانه ویدئویی، اظهار داشت: حدود ۵ میلیون کاربر برای سامانه‌های ویدئویی مذکور وجود دارد و متأسـفانه در این سامانه‌ها فیلم‌های مستهجنی نمایش داده می‌شود.

وی افزود: بنده از هیئت‌رئیسه درخواست کرده‌ام که اجازه پخش بخشی از این محتواها در صحن علنی به ما دهد که رئیس‌مجلس بیان کرد وهن مجلس است که این محتواها در صحن علنی نمایش داده شـود و سؤال ما این اسـت که چطور نمایش این محتواهـا در مجلس اشـکال دارد اما به راحتی در اختیار خانواده‌ها قرار می‌گیرد!؟

به گزارش فارس، عضو کمیسـیون فرهنگی مجلس باشـاره به تکالیفی که قانون برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسـلامی در این موضوع گذاشته است، گفت: برای مثال شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبه‌ای دارد که تکالیفی را برای وزارت ارشـاد در این راسـتا مشخص کرده‌اما رعایت نمی‌شود و همچنین هیئت وزیران در سال ۸۲، آئین نامه‌ای برای نظارت بر نمایش فیلم در نظر گرفت که از آن هم تخلف می‌شود.

وی افزود: اتحادیه اروپا و بسیاری از کشورهای دیگر قوانینی دارند که اجازه نمی‌دهند از یک سقفی بیشـتر فیلم‌های آمریکایی پخش شود، چرا که از آسیب فرهنگی به کشورشان جلوگیری می‌کند اما این مسئله در کشور ما لحاظ نمی‌شود.

عضـو کمیسـیون فرهنگی مجلـس درباره محتـوای اغلب فیلم‌هـای خارجی کـه در این سامانه‌های ویدئویی بارگذاری می‌شود، گفت: این فیلم‌ها بسیار مشکل‌دار هستند و مسائلی همچون ترویج مسیحیت، خشونت، خودکشی و صحنه‌های مستهجن را نشان می‌دهند و به وفور در این سامانه‌ها پخش می‌شوند.

پژمانفـر تصریح کـرد: متأسـفانه فیلم‌های هالیوودی بسـیار زیادی به کشور ما رسیده است که تأثیر منفی بر سـینمای داخلـی می‌گذارد و ذائقه مخاطب را تغییر می‌دهد. همانطور که نیروی انتظامی بخشـی از وظایف خود را به پلیس +۱۰ منتقل کرد، لازم اسـت وزارت فرهنگ و ارشـاد اسلامی برای حل این مشکل، راه‌اندازی دفاتر ارزیابی فیلم را در دستور کار قرار دهد.

بار دیگر پیروزی وزیر راه بر نظارت مجلس

نمایندگان مجلس در جلسه علنی دیروز گزارش کمیسیون عمران درخصوص بخشنامه‌های وزارت راه و شهرسازی در حوزه قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان را مورد بررسی قرار دادند.

نمایندگان نهایتاً پس از استماع گزارش توسط صدیف بدری سخنگوی کمیسیون عمران مجلس با ۹۱ رأی مخالف، ۸۹ رأی موافق و ۱۰ رأی ممتنع از مجموع ۲۱۶ نماینده حاضر در جلسه با ارسال این گزارش به قوه قضائیه مخالفت کردند.

در بخشـی از این گزارش آمده است با توجه به تخلفات احراز شده از جمله اجرای ناقص قانون، اقـدام خارج از اختیـار و ورود به حوزه صلاحیت قوه‌مقننه توسط وزارت راه و شهرسازی، تأخیر در اعـلام مغایرت‌ها به دیوان عدالت اداری و پیگیری ابطال بخشنامه‌های مذکور توسط سازمان بازرسی کل کشور و عدم صیانت از قانون و مصوبات مجلس شورای اسلامی به دلیل توقف و عدم اجرای به موقع ماده ۴۰ قانون و دیوان عدالت اداری، لازم است طبق ماده ۲۳۶ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شـورای اسلامی اقدامات لازم به عمل آید.

معافیت مرزنشینان از عوارض خروج

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه دیروز کلیات طرح اصـلاح ماده ۲۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری را تصویب کردند.

پس از تصویب کلیات این طرح، امیرحسـین قاضی‌زاده عضو هیئت‌رئیسه مجلس اظهار داشت: چون کمیسـیون قضایی و حقوقـی این طرح را بررسـی و اعلام نظر نکرده اسـت، طـرح با این موافقت به کمیسـیون ارجاع می‌شـود تا پس از بررسـی و رفع‌اشـکالات جزییات، در دستور کار مجلس قرار گیرد.

همچنین نمایندگان مجلس یک فوریت طرح اصلاح بند ح تبصره ۱۱ قانون بودجه سـال ۹۷ را مورد بررسی قرار دادند.

پاسخ مستدل ۹۰۰ استاد دانشگاه به نامه ساختارشکنانه مدعیان اصلاحات

۹۰۰ استاد دانشگاه در پاسخ به نامه ۲۹۰ نفر از دانشگاهیان اصلاح‌طلب درباره مسائل جاری کشـور اعلام کردند: از رویکرد عقیم «بحران – بن بست» به فرآیند ملّی «ظرفیت – راه‌حل» بپیوندید!

۹۰۰ نفر از استادان دانشگاه‌های سراسر کشور در بیانیه مسـتدل خود در پاسـخ بـه نامه ۲۹۰ نفر از دانشـگاهیان اصلاح‌طلب تصریح کردند: در بیانیه‌ای که طی روزهای اخیر از سـوی برخی از افراد دانشـگاهی و سیاسی وابسـته به گروه‌های اصلاح‌طلب و همسـوی دولت منتشر شده است، ادّعاهای گرانبار و وارونه‌ای نسبت به انقلاب و نظام اسلامی مطرح گردیده که نمی‌توان از آن، به‌سادگی عبور کرد یا آن را نادیده انگاشت. همچنانکه قابلِ پیش‌بینـی بود، به‌دنبالِ چالش‌های سـاختگی و ناشـی از سطحی‌اندیشـی و بی‌عملی کارگزاران اصلاح‌طلـب و تکنوکرات در حوزه اقتصاد، موجها و تحرّکاتی از نوع نامه‌نگاری‌ها و بیانیه‌پراکنی‌ها به راه افتـاده و خواهد افتاد تا توصیه‌ها و تجویزهایی چنین کم‌مایه و غیرعلمی (و بعضاً دون شـأن علم و عالمان)، در چارچوبِ شرایطِ پیش‌ساخته‌شده و تصنّعی، معنادار و موجّه شوند، حال آن‌که واقعیّت، آنچنان هم پوشیده و پنهان نیست که نتوان درست را از نادرسـت بازشناخت و متّهم را بر جای شاکی نشاند.

بر این اسـاس، گویا اگر بیش از این، خاموشی گُزینیـم و به نفـعِ پاره‌ای ملاحظـات و مصالح، روشـنگری نکنیم، جریان‌های سیاسی، حقایق را آنچنان معکوس جلوه خواهند داد که به‌تدریج، افکارِ عمومی تصوّر خواهد کرد که این گروه‌ها، تاکنون حاشیه‌نشـین و منزوی و از قـدرت برکنار بوده و اینکه نسخه علاجِ دردها و امراض را در اختیار دارند.

در ادامه این نامه آمده است: گفتمان اصلاحی مدّنظر نویسندگان خواسـته یا ناخواسته در واقع ترجمان به‌روز شـده‌ای از استحاله انقلاب اسلامی است که سال‌ها پیش مطرح کرده و امروز به بهانه مشکلات معیشـتی عدیده مردم – که دستپخت مدیریت خود ایشان و همسویان آنها است- تصور می‌کنند که می‌توانند آن‌را آشکار نمایند. کسانی که در عمده سال‌های بعد از انقلاب، زمام مدیریت دولتی و سیاسـت‌گذاری‌های پولی و بانکی را در دست داشـته‌اند باید پاسخگو باشند، نه طلبکار و مطالبه‌گر! هر زمان تفکـر انقلابی در عرصه‌ای از عرصه‌های مدیریت کشـور اعمّ از امنیت، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع حاکم بـوده آن عرصه کارآمد، کامیاب، موفق و موجد رضایت عمومی و اجتماعی شـده و هر زمان تفکر انقلابی کنار گذاشته شده و به نسخه‌های غیربومی، غیردینی و غیرانقلابی عمل شده، منشأ ایجاد برخی آسیب‌های اجتماعی، مفاسد اقتصادی یا اشـکالات مدیریتی در حوزه اقتصاد و اجتماع شده است.

در بخش دیگری از بیانیه استادان آمده است: متن نامه شـامل لیستی از مشـکلات، چالش‌ها، بحران‌ها و مسـائلی اسـت که نگارش این لیست بلندبـالا هنر و دانـش ویـژه‌ای نمی‌خواهد؛ اما نامه در بخش راه‌حل‌ها بـه کلیّات و بیان عبارات کلـی و عمومی بسـنده کـرده و از ارائه راه‌حل علمی، کارشناسی، عینی، دقیق و سیاست‌پژوهانه و سیاسـت‌گذارانه ناتـوان بوده اسـت. مدلی که نویسـندگان نامه در پیش گرفته‌اند مدعی مدل بحران – راه‌حل است؛ یعنی ارائه تصویری بحرانی از جامعه و سـپس راه‌حل‌هایی مبتنی بر آنکه این روش‌شناسی در اکثر حوزه‌ها ناگزیر نتیجه‌ای جز «بحران–بن‌بست» ندارد. ایراد اساسی این مدل آن است که بر پایه نا امیدی از شرایط موجود بنا شده که با ادعای امیدواری نویسـندگان در ابتدای نامه همخوانی ندارد.

اعضـای هیئت علمی در ادامه بـه عدم ارائه راهکار در نامه اصلاح‌طلبان‌اشاره کرده و می‌افزایند: این نامه هم مانند موارد مشـابه منتشره از سوی این جریانات، عمده مشـکلات و راه‌حلشان را در راه‌حل‌های سیاسـی و آزادی‌های اجتماعی بیان می‌کند. سیاسـت‌زدگی نامه آنجا اوج می‌گیرد که یکی از راه‌حل‌های عاجل خروج از بن بسـت‌های ادعایی نویسندگان در موضوعات زیست‌محیطی و نظایر آن، رفع حصر و آزادی زندانیان سیاسی عنوان می‌شود. آیا منظور از زندانیان سیاسی امثال رامین حسین پناهی تروریست است که قاتل شهروندان عزیز کشورمان بوده یا جاسوس‌های آمریکا و اسرائیل که در نقش فعال رسانه‌ای فعالیت می‌کرده‌اند؟ آیا به‌راستی راه‌حلّ خشکسالی کشور، اعلام عفو عمومی است؟ آیا این ادعاها با سلوک دانشگاهی کمترین نسبتی دارد؟

در این بیانیه عنوان شـده اسـت: جمهوری اسلامی ایران بی‌تردید در یک وضعیّت خطیر جنگ اقتصادی قرار دارد. به‌کارگیری واژه «جنگ» برای توصیف موقعیّت اقتصـادی اگر تا پیش از خروج آمریـکا از برجام و اعمـال تحریم‌های همه‌جانبه اخیر بـر ایران از نظر برخـی تحلیل‌گران داخلی همچنان اغراق‌آلود می‌نمود؛ اما در شرایط کنونی واقعیّتی مورد اذعان و اجماع ملّی است. این درجه از صف‌آرایی و منازعه اقتصادی در مقیاس جهانی و در تاریـخ تنش‌هـا و هماوردی‌هـای اقتصادی دولت ملّت‌ها، وضعیّت بی‌نظیر و بی‌سـابقه‌ای را نشـان می‌دهد. بالابردن درجه تحریم اقتصاد یک کشور به شـدیدترین صورت قابل تصور از تحریم اقتصادی را با هیچ استعاره‌ای جز جنگ نمی‌توان توضیح داد.

در بخش‌هـای دیگری از بیانیـه ۹۰۰ عضو هیئت علمی دانشگاه‌ها آمده است: به‌رغم ادّعاهای نویسندگان نامه، کشور و نظام دچار بن‌بست نیست، ما دچار بن‌بست نشده‌ایم و نباید بحران کارآمدی دولتی را به حاکمیت سیاسی نسبت داد؛ چون هیچ بن‌بستی در ظرفیت هویت ملّی ایرانی وجود ندارد و نظام، همچنان از عهدهٔ حلّ مسئله‌ها و مشکلات برمی‌آید. باید میان اصل ناکارآمدی دولتی و کلّیّت حاکمیّت از یکسـو، و وجود اختلال کارکردی در برخی نهادها و زیرمجموعه‌های آن، تفاوت قائل شد.

متن کامل این نامـه خواندنی و پرمحتوا که به دلیل طولانی بودن امکان انتشار آن در روزنامه فراهم نشد، در سایت‌های اینترنتی قابل دسترسی و مطالعه است.

قسم خورده‌اید

نگاه

محمدهادی صحرایی

وَ لَـنْ تَرْضی عَنْکَ الْیَهُودُ وَ لاَالنّصاری حَتّی تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَی اللهِ هُوَالْهُدی وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذی جاءَکَ مِنَ الْعِلْمِ مالَکَ مِنَ اللهِ مِنْ وَلِیّ وَلا نَصیر[1]

طَبْق قانون و قاعده خلقت، اقدامات ما هرچه که باشد ثبت و ضبط خواهد شد و هیچ عملی در دار دنیا فانی و از بین رفتنی نیست و روزی که باید پاسخگوی اعمال خود باشیم، خواهیم دید که ریز و درشت کارهایمان و حتی «إِنْ تَکُ مِثْقالَ حَبَّة مِنْ خَرْدَل»[2] را هم خدا محاسـبه نموده و از قلم نینداخته‌است، تا چه رسد به اموری که مرتبط با سـعادت و شقاوت، صلاح و ضلال، پیشرفت و پسرفت و نهایتاً هرچه که به خیر و شر جامعه و نسل‌های فعلی و بعدی بینجامد و تا چه رسد به وظیفه سـنگین وکالتی که افراد، تعهد کرده و «با قسم خوردن»، می‌پذیرند و بار و وبالش را بر عهده می‌گیرند باشند و باید در معرکه قیامت و در حضور خداوند، پاسخگوی آنچه که به گرده گرفته و نزد آنان که وکیلشان شده‌اند، باشند. این تذکار و هشدارباشی است برای قلوبی که ممکن است هرچیز را به محک سیاست‌زدگی و با چرتکه دنیا به حسـاب آورند و نشنوند. شاید که در هیاهوی دنیازدگی و غوغای سیاست‌بازی و مسابقه تقلب، بازنگری کنند که آنها قسم خورده‌اند.

تشکیل حکومت اسلامی آرزو و آرمان انبیاء و اولیاء و شـهدا و مظلومین و مستضعفین طول تاریخ و عرض جغرافیاست. اگرچه در برخی مقاطع و مناطق، صورت تحقق به خود گرفته ولی با انقلاب اسلامی ایران در قرن بیستم و تداوم چهل‌ساله آن، منشأ امید خداجویان و مأمن مظلومان و مأوای جوانمردان عالم گردیده اسـت. مرور سرگذشت انقلاب شریف اسـلامی ایران اگرچه برای مردمِ نجیبمان، توضیح واضحات است ولی برای برخیِ کاربدستان نسـیان‌زده، ضروری و حیاتی است. چراکه هرچه مسـئولیت‌ها سـنگین شود باید عبرت‌گیری و درس‌آموزی از پیشینیان نیز بیشتر شود که پیش از ما، بهتران و بدترانی بوده‌اند که با همین اداها و ادعاها، همین مسـئولیت‌ها را به عهده داشته‌اند و ای‌بسا مدعی‌تر از ما نیز بوده‌اند و اکنون در برزخ، عمر خود را سـیر کرده و آنچه را کشته‌اند درو می‌کنند و واقعیت اعمال خود را می‌بینند و بین ما یا نام نیکی از آنها مانده یا لعن و نفرینی که از سرِ خشمی حسرت‌آلود، نثارشان می‌کنیم و اگرچه مکنونات قلب و ارتعاشات ایمان و اعماق قلب‌ها برای خداوند عادل و مقتدر روشن است ولی قضاوت آیندگان نیز محکمه‌ای است که نباید از آن غافل شد.

و باید دانسـت کـه مسـئولیت‌ها هرچه مهم‌تر باشـد اثرش ماندگارتر است. در تاریخ کم نبوده‌اند مردمان خوبی که با تصمیمات سنجیده و شـرافتمندانه و مردانه خود، مردم و میهن خود را ده‌ها سـال به پیش برده‌اند و نام نیکشان در دفتر بندگان سودمندِ خدا ثبت و ضبط گردیده است و در مقابَل آنان نیز کم نبوده‌اند ناجوانمردانی که به مسـئولیت و مقام خود و فرصت خدمت و نعمت اعتمادی که خدا از آنها در دل مردمانشان گذاشته، به دید «طعمه و سفره» نگریسته‌اند و شرافت خود را به جیفه عفن پول و پیشنهاد و سود و استخدام خود و نزدیکانشان فروخته‌اند و ملت و مردم خود را ده‌ها و شاید صدها سال به عقب کشانده‌اند و اکنون در پیشگاه خدا به عنوان خائنین و نفرین‌شدگان، در صف پاسخ‌اند. امروز هر ایرانی مذهبی یا غیر آن، به شرافت امثال خواجه نصیر و شیخ بهایی و امیرکبیر درود می‌فرسـتد و هر ایرانی مذهبی و غیر آن، به مسببین ترکمانچای و گلستان و حراج بحرین، نفرین می‌کند. چقدر بین این دو طایفه تفاوت هست. درود و رحمت خدا و صالحان به شرافتمندان و امانتداران و لعنت و نقمت ابدی بر خائنین و مردم‌فروشان و دین به دینار دادگان.

مردم ایران در دورانی که کدخدای شرق «خدا» را انکار و کدخدای غرب در کلیسا دفنش کرده بود، رهبری از سـلاله پاکان را برگزید و از اعماق تاریخ و از عمق جان، فریاد خدا خدا سـر داد و خفتگان را بیدار و اردوگاه شـیطان را آشفته کرد. دشمنان از این انقلاب با عنوان «زلزله‌ای فراگیر» یاد کردند که دودمانشان را به باد خواهد داد. مردم با استقرار جمهوری اسـلامی خود «ایران را از زیر سـلطه انگلیس و آمریکا بیرون کشید»[3] و ده‌ها هزار مستشار مفتخـور را با ذلت، اخراج کرد و با صدای باصلابت و صاف، به دشمنان «نه» گفت. مسئولین وابسته و سفارش‌شده از سفارتخانه‌های اجانب را کنار زد و خود از میان مدعیان خدمت و صداقت و ارادت به انقلاب، نماینده و وکیل و مسئول انتخاب نمود تا راه نیمه‌تمام را ادامه دهند و رسالت را به اتمام رسانند. با اتکاء به خدا و ایمانِ به اراده‌ها، هیمنه قلدران را شکست و تاریخ را نجات داد و از قرن بیست به بعد را به نام «خمینیون» رقم زد. بدترین و بیشترین و طولانی‌ترین و نامردانه‌ترین تحریم‌ها را تحمل کرد تا برای مردمان جهان ترجمان این آیه باشد که فرمود: «کسـانی که گفتند پروردگار ما الله است، سپس ایسـتادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند و می‌گویند: هان، بیم مدارید و غمگین مباشید، و بشارت باد بر شما بهشتی که وعده داده می‌شدید».[4]

در دوران شـعبِ ابی‌طالبِ انقلاب و زمانی‌که مردم گوشت را به «ربع کیلو» می‌خریدند و لباس را با وصله می‌پوشـیدند و رزمندگان با سیم تلفن و قوطی کنسـرو، برای عراقی‌ها میدان مین و تله می‌ساختند، به آمریکای مقتدرِ دوران کارتر و ریگان، محل نمی‌گذاشتند تا چه رسد به امروزی که آمریکا گرفتار ترامپی شده که مضحکه جهان است و نماد شـیرین‌کاری. زمانی، امام خمینی، مک فارلین را دست از پا درازتر به آمریکا برگرداند و زمانی، به خاطر تداوم حمایت‌های شوروی از صدام گفت سفیرشان را بخوانید و او را تحقیر کنید. سفیر قلدر را صدا زدند و چنین کردند. و امروز که امام صدیقمان پشت نیل است و با اقتدار می‌گوید «إِنّ مَعی رَبّی سَیَهْدین»[5] چرا عده‌ای قالب تهی کرده‌اند؟ «مالَکُمْ لاتُؤْمِنُونَ؟»[6] آنها که با شروع انقلاب و جنگ، به ب